

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درزنگ اول، دانش آموزان بہ سخن معلم شمس گوش می دادند۔ (کان + تَتَكَلَّمُ)۔

ماضی استمراری) و میان آن ها دانش آموز اخلاکگر و بی ادبی بود کہ بارفتارش بہ

دانش آموزان زبان می رساند۔ یک بار روی خود را بہ پشت برمی گرداند و با کسی کہ

پشت سرش بود صحبت می کرد (کان + تَتَكَلَّمُ، ماضی استمراری) و یک بار هنگامی کہ

معلم روی تخت سیاه می نوشت با کسی کہ کنارش می نشست آهتہ سخن می گفت۔

و درزنگ دوم آن دانش آموز بہ خاطر مچ گیری از معلم زیت شناسی سؤال می کرد

و درزنگ سوم با یک محطاس مانند خودش صحبت می کرد و می خندید پس معلم بہ او چند بار

بدون فایده بند داد۔ ہرآن ہر ایمن این مشکل اندیشید پس نزد معلم ادبیات فارسی

رفت و بہ او گفت : درطلاس ما دانش آموزی اخلاکگر است۔ من خواہم اشائی با

عنوان «در حضور معلم» بنویسم۔ «وَأَنَّ الْكُتُبَ» مضارع منصوب، (در ترجمہ مضارع الترامی)

پس معلم با شیہا داو موافقت کرد۔ پس ہرآن بہ کتابی نہ رفت و کتاب جنبۃ المرید

تألیف زین الدین عافی معروف بہ بہمد ثانی را دید پس اشائی نوشت۔

تا دانش آموز خطا کرد آگاہ شود۔ (حَسْبُ تَنْبِيْهِ؛ مضارع منصوب) و این مجلس از

متن انشای او است ، تعدادی از دانشمندان کتابهایی در زمینه های تعلیم و تربیت  
 (آموزش و پرورش) تألیف کردند (نگاشتند) برخی از آن ها مربوط به معلم و برخی  
 از آن ها مربوط به یادگیرنده است . دانش آموز در حضور معلم آداب دارد که برداشش آموز  
 واجب است که به آن ها پایبند شود . مهم ترین آن ها ؛ ۱- تردک شدن به خدا برای  
 حرمت به او . ۲- لبخند زدن بدون صدا ، اگر لبخند زدن بر او حیره بشود . ۳- دوری  
 کردن از سخن که در آن بی ادبی است . ۴- فرودتنی در مقابل معلم مانند فرودتنی  
 (در مقابل) مریض در مقابل پزشک ماهر . ۵- نشستن در مقابل معلم با ادب و گوش  
 دادن او با دقت و عدم توجه به سبب سرنگن برای ضرورت . ۶- هرگاه از معلم خود سؤال  
 یا داستانی که آن را می داند ، بشنود ، به آن گوش فرامی دهد گویی که او آن را صدق شنیده است .  
 ۷- اینکه طامش را قطع کنند در سخن گفتن از او پیشی نگیرد و صبر کند تا معلم سخن خود را  
 تمام کند . ۸- اینکه هنگامی که معلم درس می دهد با غیر خود از دانش آموزان سخن نگوید .  
 ۹- نخوابیدن در کلاس هنگامی که معلم درس می دهد . ۱۰- اینکه از دستورات معلم سرپیچی نکند  
 برای معلم بر خیزد و احترامش را کامل به جا آورد . تردک بود که معلم پیامر باشد .  
 Ganjineh آیا از کسی که نفس ها (جان ها) و عطاها می سازد و ای (می کند) شرف تریا  
 گر انقدر تر شناخته ای ؟